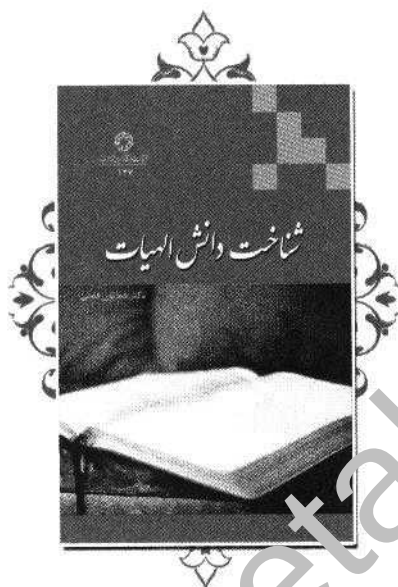




رضا رحمانی



اشارات
دانشگاه ادیان و مذاهب



همتی، همایون / ۱۳۳۷ -

شناخت دانش الهیات / همایون همتی. - قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.
 ۲۶۴ ص. - (انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۱۲۷).

ISBN 978-600-6730-22-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه.

نمایه.

۱. الهیات. الف. همایون همتی. ب. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۲

ش ۹/ ۲/ ۱۳۹۴ BP

۱۳۹۴

۳۷۴۰۲۳۵

کتابخانه ملی ایران



انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

۱۲۷

شناخت دانش الهیات

• مؤلف: دکتر همایون همتی

• ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

• نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۴

• چاپ: نگارش

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

• شابک: ۶-۲۲-۶۷۳۰-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ و نشر محفوظ است.

• مواکز پخش:

قم، پردیسان، روبه روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰ (۰۲۵)، نمابر: ۳۲۸۰۳۱۷۱ (۰۲۵)

تهران، خ انقلاب، بین خ ابوریحان و فلسطین، بن بست مهارت، پلاک ۱

طبقه زیرین، پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی) تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۲۰۳

فهرست

۱۳.....	۱. شناخت دانش الهیات
۲۰.....	۳. همان‌های مشابه
۲۲.....	الهیات به عنوان یک رشته علمی
۲۵.....	الهیات و تربیت معارف دینی
۲۶.....	الهیات به مثابه یک رشته علمی مستقل
۲۷.....	الهیات و مطالعات دینی
۲۹.....	انتقادهای
۳۵.....	۲. بررسی ساختار و کارکرد دانش الهیات
۴۹.....	مثالی از یک متن کلاسیک
۵۵.....	فمینیسم مدرن: مثالی از واسطگی میان فرهنگ و دین
۵۹.....	۳. اهمیت و جایگاه روش در دانش الهیات و ماهیت وحی
۶۲.....	وحی به مثابه آموزه
۶۴.....	وحی به مثابه تاریخ
۶۵.....	وحی به مثابه تجربه درونی
۶۷.....	وحی به مثابه حضور دیالکتیکی
۶۸.....	وحی به مثابه آگاهی جدید
۷۰.....	وحی به مثابه واسطگی نمادین
۷۷.....	۱. تحقیق
۷۹.....	۲. تفسیر
۸۰.....	۳. تاریخ

۴. دیالکتیک (توجه به تغییرات) ۸۰
۵. مبادی ۸۴
۶. آموزه‌ها ۸۴
۷. دستگاه‌سازی ۸۵
۸. ارتباط سازی ۸۷
- نتیجه‌گیری ۸۷

۲. در باب رابطه فلسفه و الهیات ۹۱
- افلاطون ۹۶
- ارسطو ۹۸
- کانت ۹۹
- هگل ۱۰۱
- مارکس ۱۰۳
- اگزیستانسیالیسم ۱۰۵
- فلسفه هرمنوتیکی ۱۰۶
- فلسفه پویشی ۱۰۸
- نتیجه‌گیری ۱۱۰

۵. مقایسه الهیات معاصر با الهیات سنتی ۱۱۳
- الهیات کاتولیکی در قرن نوزدهم ۱۱۴
- مابعدطبیعی بودن ۱۱۵
- مدرسی بودن ۱۱۶
- غیرتاریخی بودن ۱۱۷
- جزمی بودن ۱۱۹
- الهیات پروتستان در قرن نوزدهم ۱۲۱
- انتقال از قرن نوزدهم به قرن بیستم ۱۲۴
- نظریه تکامل ۱۲۶

۱۲۸.....	تغییر نگرش الهیات به شخص
۱۲۹.....	کشف تاریخ
۱۳۰.....	مسئله معنا
۱۳۲.....	تغییر در تلقی فرهنگی
۱۳۳.....	ویژگی های نظام های الهیاتی معاصر
۱۳۶.....	نقد و بررسی
۱۴۰.....	نتیجه گیری
۱۴۳.....	۶. الهیات سیاسی و رهایی بخش
۱۴۴.....	الهیات نیست
۱۴۵.....	چیستی و تاریخ الهیات سیاسی
۱۴۸.....	مهم ترین اصول مبتنی بر الهیات رهایی بخش
۱۵۲.....	نمایندگان اصلی جریان الهیات سیاسی
۱۵۶.....	الهیات رهایی بخش
۱۶۱.....	مسلمانان و الهیات سیاسی
۱۶۹.....	۷. الهیات هنر
۱۹۷.....	۸. شناخت الهیات فمینیستی
۲۳۱.....	۹. الهیات رهایی بخش و تکثرگرایی دینی
۲۳۲.....	پیچیدگی دیالوگ بین ادیان
۲۳۵.....	مسئولیت جهانی: مبنای مشترک برای دیالوگ
۲۴۰.....	چگونه یک دیالوگ بینادینی رهایی بخش می تواند مؤثر افتد؟
۲۴۵.....	۱۰. الهیات تطبیقی
۲۶۰.....	نمایه

پیشگفتار

مباحث کتاب حاضر درباره «شناخت دانش الهیات» است. الهیات یکی از قدیمی‌ترین و پخته‌ترین رشته‌های بشری است و در آثار فیلسوفان یونان به ویژه ارسطو به کار رفته است. در آثار فیلسوفان اسلامی نیز مکرر به اصطلاح «الهیات بالمعنی الأعم» «الذات بالمعنی الأخص»، «ربوبیات» و «معرفة الربوبية» بر می‌خوریم که گاه به معنای «فلسفه مابعدطبیعی» است و گاه به معنای دانش متمایز الهیات. حبیب‌یج دیگری که در متون اسلامی به کار می‌رود «علم کلام» است که نزد ما شناخته‌تر و آشنا تر است. در مغرب زمین الهیات، در عام‌ترین کاربرد، گاه به معنای کل مباحث خداشناسی و دین‌پژوهی به کار می‌رود و در معنای دانش باورهای دینی در کاربرد مسیحی‌اش با «علم کلام» نزد مسلمین تغایر پیدا دارد، اما با تسامح و توسع در معنا می‌توان این دو را مترادف گرفت و در اصل تلقی کرد. الهیات دانش تفسیر باورها و مقولات دینی است. مهم‌ترین کارکرد الهیات، فهم پذیر کردن ایمان دینی است و به همین سبب دانشی است هنجاری، تطبیقی، چندروشی و تغذیه‌گر از دیگر دانشها.

الهیات به طور طبیعی در بستر دین و پیرامون دین رشد و نمو می‌کند و همه ادیان عالم دارای الهیات و نظامهای الهیاتی‌اند و هیچ دینی بدون

نوعی الهیات نیست. الهیات یک دانش است با ساختار معین. همه اجزای یک دانش را دارد: موضوع، مبادی، مسائل، روش، غایت و فایده. البته گزاره‌های الهیاتی روش خاص تعیین صدق و کذب خودشان را دارند، هرچند در اغلب موارد همچون دیگر دانشهای عقلی به معیارهای عقلی و متکی به عقلانیت و منطق متکی هستند و شبیه فلسفه می‌مانند. نباید به این علم به چشم تحقیر نگریست یا در جنب دیگر دانشها آن را واجد کاسی و نقصان دانست. الهیات از حیث «علم» بودن همانقدر علم است که دیگر دانشهای طبیعی، انسانی و اجتماعی. البته نوع مسائل آن متفاوت است. باید پس خاص خود مسائلش را مطرح می‌کند و هدفی خاص را دنبال می‌کند. ولی اینها هیچ‌یک از «علم» بودن آن نمی‌کاهند. برخی پیدا داشته‌اند چون الهیات یک «علم هنجاری» است، بنابراین با دیگر علوم رایج که توصیفی هستند تفاوت دارد. در پاسخ باید گفت علم اخلاق نیز یک دانش هنجاری است و بر این اساس است که وجود داشته و کسی «هنجاری بودن» را مانع علم بودن آن ندانسته و در «علم بودن» آن تشکیک نکرده است. هنجاری بودن نوع علم بودن نمی‌شود. الهیات نیز همینطور است، دانشی هنجاری و ارزش‌گرا است که به ارزیابی و صدق و کذب باورهای دینی می‌پردازد. گفتیم الهیات در کارکرد غربی‌اش بخشی از دین‌پژوهی به طور عام و شعبه‌ای از دین‌شناسی و دانش ادیان یا «مطالعات دینی»^۱ است. امروزه صدها و هزاران الهیدان در عالم الهیات در جهان به دفاع از حقانیت باورهای دینی مسیحی، یهودی، بودایی، هندویی و دیگر ادیان مشغولند و نظامهای الهیاتی متنوع گسترده‌ای را به وجود آورده‌اند. همانطور که گفتیم، دین بدون الهیات ممکن نیست. تبیین آموزه‌های دینی، الهیات را به وجود می‌آورد و کدام دینی است که

محتاج تبیین نباشد؟ دین ناگزیر از تبدیل شدن به الهیات یعنی تدوین یافتن در قالب الهیات^۱ و نظامها، تئوری‌ها و دیدگاههای الهیاتی است. هر دینی محتاج اثبات و دفاع از مدّعیات و آموزه‌های خود است و همین الهیات را به وجود می‌آورد. الهیدان‌ها نیز انسان‌های معمولی‌اند و مقدس نیستند؛ چه در کسوت روحانی باشند و چه نباشند؛ سخنشان و معرفتشان سخن و معرفت بشری و آمیخته با خطا و لغزش است.^۲

کتاب حاضر به عزم معرفی دانش الهیات و برخی تحولات امروزی آن نگارش یافته و برای دانشجویان، علاقه‌مندان دین‌پژوهی و مدرّسان این علم تالارین شده است. در پایان از دوست عزیز دانشورم حجت‌الاسلام آقای کتر بهروز حدادی سپاسگزارم که با دقت و پشتکاری ستودنی به ویرایش این دفتر پرداختند. صمیمانه امید است دفتر حاضر برای دانشجویان و پژوهشگران راهگشا و سودمند بیفتد.

همایون همتی

تهران، تیرماه ۱۳۹۳

1. Formulation

۲. این همان نکته کلیدی و مهمی است که «تئوری قبض و بسط» از آن غفلت کرده است. دین، قبض و بسط ندارد، الهیات قبض و بسط دارد. دین بر ساخته ما نیست، الهیات مصنوع ما است. الهیات تغییر و تکامل پیدا می‌کند که تفسیر ما و مجموعه شناخت و گفت و گوهایی ما درباره دین است.